گفت و گو با
دکتر کوروش صفوی
زبان شناس

(بخش دوم و پایانی)

پس رفت در پژوهش ادبیات فارسی

فیروزه ناظری آذری

در نخستین بخش گفت وگو به فرآیندهای واژه سازی در زبان فارسی اشاره شد و دکتر کوروش صفوی، زبان شناس تأکید کرد هر نسل واژه هایی می سازد که ممکن است از نظر مردم همان نسل، نامأنوس به نظر برسد اما به تدریج مورد پذیرش قرار می گیرد.
در واپسین بخش گفت وگو، دکتر صفوی به سؤالاتی پاسخ می گوید که پیرامون درستی یا نادرستی برخی واژه ها مثل پارکبان مطرح است. وی همچنین در این گفت وگو ازوضعیت نامطلوب پژوهش در حوزه ادبیات فارسی سخن می گوید و معتقد است هیچ تحولی در این حوزه روی نداده است.

*** حال که صحبت به «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» کشیده شد، بگذارید سؤال کنم وظیفه این فرهنگستان برای واژه سازی چیست؟**

- بر اساس این پرسش اولاً تصور می شود وظیفه فرهنگستان زبان و ادب فارسی این است که فقط بنشیند و واژه بسازد. ثانیاً تصور می شود افرادی که در فرهنگستان جمع شده اند، مثلاً از کره مریخ آمده اند و من و امثال من باید وظیفه آنها را معلوم کنیم. این دو تصور کاملاً غلط است.

نخست این که، تنها یکی از وظایف فرهنگستان معادل یابی برای واژه هاست. آن هم نه هر واژه ای. پژوهش هایی که در فرهنگستان انجام می شود محدود به همین کار نمی شود. به اعتقاد من، شاید یکی از کارهای فرعی فرهنگستان این باشد که بنشینند و واژه بسازند. تدوین دستور زبان جامع فارسی، تحقیق در زمینه گویش های ایرانی، مطالعه در زمینه گونه های زبان فارسی، شیوه نگارش فارسی وده ها پژوهش ارزنده دیگری که هم اکنون در فرهنگستان صورت می پذیرد، از نظرها دور مانده؛ آن هم به این دلیل که چنین پژوهش هایی بسرعت انجام نمی شوند و نتایج کار فوراً معلوم نمی شوند. یکی از وظایف اصلی گروه های مختلف فرهنگستان، معیارسازی اصطلاحات است. فرض کنید در زبان شناسی، برای اشاره به موضوعی واحد، چند اصطلاح به کار رفته باشد. مثلاً ما morpheme را هم «مورفم» گفته ایم، هم «واژک» و هم «تکواژ». از میان این اصطلاحات، یکی را باید به عنوان اصطلاح معیار انتخاب کرد. این تلاش از جمله کارهای بسیار مهمی است که در فرهنگستان صورت می گیرد.

دوم اینکه، افرادی که در فرهنگستان و درگروه های تخصصی در مقام عضو پیوسته و عضو وابسته به کار مشغول اند، مردم کوچه و بازار وافراد غیر متخصص نیستند که قرار باشد بنده نوعی برایشان تعیین تکلیف کنم. مجموعه وسیعی از این شخصیت های برجسته را استادان خود من تشکیل می دهند.

این اعضا از برجسته ترین پژوهشگران طراز اول مملکت انتخاب می شوند. البته منظورم این نیست که تمامی نام آوران رشته های زبان شناسی و ادب فارسی در فرهنگستان اند، ولی آنهایی که در فرهنگستان به خدمت مشغول اند از برجسته ترین محققان اند. بنابراین بسیار ناشایست است که من بنشینم و مثلاً برای دکتر علی اشرف صادقی یا دکتر یدالله ثمره که «واج» و «تکواژ» را از آنها آموخته ام تعیین تکلیف کنم که چه باید بکنند.

*** آیا ساخت واژه هایی مثل «فناوری» یا «پارکبان» را درست می دانید یا نه. به عبارت دیگر، وقتی بخشی از یک واژه، قرضی و خارجی است، چطور می شود بخش دیگری را از زبان فارسی به آن افزود و گفت این واژه «درست» است؟**

- اجازه بدهید، اول چند نمونه را با هم مرور کنیم. «کلیدساز» قسمت اولش یونانی است و بخش دومش بن مضارع «ساختن» فارسی است. «درشکه چی» قسمت اولش روسی است و پسوند «- چی» اش ترکی است. «پستچی» از آن هم بدتر است. قسمت اولش انگلیسی است و قسمت دومش ترکی است. «امیر تومان باشی» که دیگر فاجعه است. «امیر» عربی است، «تومان» مغولی است، «باشی» ترکی است.

یادم نمی رود در دوره لیسانس، استادی سرشناس که خدا حفظش کند، یک ساعت درباره این مطلب صحبت کرد که مشتی بیسواد واژه «پیشنهادات» را به کار می برند. ایشان مدعی بودند که هر بار این لغت را می شنوند حالشان بد می شود. من مات مانده بودم که این لغت چقدر می تواند روی مزاج استاد تأثیر بگذارد. بعد از کلاس، استاد به بنده دستور دادند که ایشان را به منزلشان برسانم. از ایشان پرسیدم منزل کجاست. فرمودند در شمیرانات خیابان آجودانیه. من نفهمیدم ایشان چطور در «شمیرانات» که همان شرایط «پیشنهادات» را داشت زندگی می کند و از همه بدتر چطور خیابان «آجودانیه» را تحمل می کنند که بخش اولش فرانسه است و بخش دومش عربی است.

*** من جوابم را گرفتم. پس شما با این ترکیب ها مشکلی ندارید.**

- مگر کسی مشکلی دارد که من داشته باشم؟ مگر شما با واژه «پارک کردن» مشکل داشته اید که حالا یقه «پارکبان» را گرفته اید؟ مگر وقتی از «فن» واژه «فنی» را ساختیم، مشکلی پیش آمد؟ مگر اصلاً شش دانگ سند زبان فارسی را به اسم من زده اند که فکر کنم بقیه دارند به این زبان خیانت می کنند و من فقط دارم خدمت می کنم؟

*** در مورد نوع نگارش «فناوری» چطور؟ آیا این شیوه نگارش را درست می دانید؟ اساساً نظرتان درباره این شیوه های نگارش چیست؟**

- بنده شخصاً «فن آوری» را ترجیح می دهم. ولی نظر بنده کاملاً شخصی است. «اطاق» را هم به صورت «اتاق» ترجیح می دهم. حتی نمی دانم چرا دوست دارم «صابون» را هم «سابون» بنویسم! این حرف ها در حد نظر شخصی است و کاملاً احساسی است. اجازه دهید که جدی تر به مسأله نگاه کنیم.

در حال حاضر نگرش های مختلفی نسبت به شیوه رسم الخط فارسی وجود دارد. جدا نویسی، سر هم نویسی، جایگزینی نویسه ها، حتی جایگزینی نظام نوشتاری. هر کدام از این نگرش ها هم انواع دارد و تا حد افراط پیش می رود. به هر حال، هر رسم الخطی که استفاده شود باید چند قاعده را رعایت کند. نخست این که «سکته خوانشی» ایجاد نکند؛ یعنی وقتی به آن واژه رسیدم، مجبور نشوم برگردم، ببینم آنچه خواندم چه بود. دوم این که تا حدی به شیوه گفتاری نزدیک باشد.

اینها در شرایطی است که فضای جهانی را در نظر نگیریم. برخی معتقدند که این خط باید به کلی عوض شود، زیرا در ارتباط جهانی کارآمد نیست. هر کدام از این دیدگاه ها در نوع خود قابل تأمل است. برخی معتقدند که اگر خط فارسی را کنار بگذاریم و خطی برگرفته از خط لاتین را جایگزینش کنیم فرهنگ گذشته مان را از دست می دهیم. من اساساً از این صحبت ها سر در نمی آورم. مثلاً می گویند اگر خط را عوض کنیم دیگر نمی توانیم حافظ بخوانیم یا شاهنامه بخوانیم. مگر ما الآن حافظ را به همان خطی می خوانیم که در قرن هشتم نوشته شده؟ خیلی از این متن ها را ما امروز نمی توانیم بخوانیم. البته می دانیم به خط فارسی است، ولی آن خط را نمی توانیم بخوانیم. من یک قباله ازدواج توی خانه دارم که متعلق به پدربزرگ و مادربزرگ پدرم اند. آن را قاب کرده ام و به دیوار زده ام، ولی نمی توانم آن را بخوانم. به همین خاطر هم افراد متخصصی داریم که تخصصشان خواندن همین نسخه های خطی است. بنابراین در هر مورد باید میزان «علم» را در نظر گرفت. در مورد پیشنهادهای موجود، اعتقاد بنده این است که هنوز داریم احساسی برخورد می کنیم.

> **اجازه دهید اول تکلیفمان را با زبان فارسی ناب یا فارسی سره روشن کنیم. منظورمان از فارسی ناب چیست؟ اگر منظورمان این باشد که واژه هایی را به کار ببریم که فقط فارسی باشند یا ریشه شان فارسی باشد. اول باید معلوم کنیم این واژه ها را باید از کجا مشخص کنیم**

*** با این جوابی که دادید، سؤال دیگری به ذهنم رسید و آن پالایش زبان فارسی است. افرادی نظیر احمد کسروی سعی داشتند فارسی ای را رواج دهند که ناب باشد. در حال حاضر نیز دکتر میرجلال الدین کزازی را می توان نمونه آورد که حتی در صحبت روزمره سعی می کنند از فارسی ناب در صحبتشان استفاده کنند. نظرتان درباره این تلاش ها چیست؟**

- اجازه دهید اول تکلیفمان را با زبان فارسی ناب یا فارسی سره روشن کنیم. منظورمان از فارسی ناب چیست؟ اگر منظورمان این باشد که واژه هایی را به کار ببریم که فقط فارسی باشند یا ریشه شان فارسی باشد. اول باید معلوم کنیم این واژه ها را باید از کجا مشخص کنیم. اگر به دوره باستان برگردیم، آیا فقط واژه های فارسی باستان را انتخاب کنیم یا واژه های زبان های اوستایی و چند واژه مادی و سکایی باستان هم قبول است؟ بعد در دوره میانه، آیا واژه های پارتی میانه و خوارزمی میانه و بلخی میانه و سکایی میانه حق ورود دارند یا نه؟ مثلاً واژه «نقره» که سغدی است، می تواند در فارسی سره به کار رود یا نه؟ «اژدها» که احتمالاً پارتی است، چطور؟ حالا فرض کنید بگوییم واژه های زبان های ایرانی اشکال ندارند. خب، تکلیف واژه های قرضی ای که از زبان های مختلف به این زبان ها راه یافته اند چه می شود؟ مثلاً واژه «نماز» که می گوییم فارسی است، در اصل از سنسکریت وارد فارسی شده. اینها را چکار کنیم؟ یا «کنکاش» که از مغولی آمده یا «لگن» که از یونانی آمده. اینها را چکار کنیم؟ در نهایت می بینیم این عزیزان با این واژه ها مشکل ندارند و مشکلشان صرفاً واژه های عربی است. حالا مسأله پیچیده تر می شود، زیرا باید معلوم کنیم مشکلمان با کدام عرب است. آرامیان و اکدین هم از نژاد سامی بوده اند، یعنی به نوعی در طول تاریخ از همین نژاد عرب بوده اند. خب، ما خط میخی کتیبه های فارسی باستان را از همین خط میخی اکدیان اقتباس کرده ایم. در دوره میانه هم تمام خطوط به کار رفته در ایران به غیر از خط بلخی و خط سکایی میانه جنوبی، از خط آرامی اقتباس شده که همین آرامیان در طول تاریخ با اعراب از یک نژاد بوده اند. خطی که برای نگارش بلخی میانه به کار می رفته از خط یونانی اقتباس شده و خط سکایی میانه هم احتمالاً از خط سنسکریت گرفته شده.

خب حالا فرض کنید این عرب ها و زبان و خطشان مورد نظرمان نباشد و فقط به لحاظ احساسی خودمان را درگیر واژه های عربی ای کنیم که پس از دوره ساسانیان وارد فارسی شده اند. خب این واژه ها کدام اند؟ آیا شامل «اقیانوس» و «اطلس» و «قلم» و «صراط» و «اصطرلاب» و «فلسفه» و صدها واژه دیگر از این قبیل هم می شوند که اصلشان عربی نیست و معرب اند؟

حالا فرض کنید ما پس از شناسایی دقیق واژه های عربی و حذف آنها از زبان خود، زبان فارسی عجیبی را به کار ببریم که بقیه فکر کنند مثلاً داریم پشتو صحبت می کنیم. این کار چه موفقیتی به همراه خواهد داشت؟ حداقل امر این است که یکی از شاگردانم پس از این همه سال سخن گفتن به این فارسی ناب، از من تقلید کند و تحت تأثیر دانش فراوان و تعصب زیادم به فرهنگ سترگ این مرز و بوم مثل من صحبت کند یا سعی کند مثل من ادایم را درآورد. وقتی من نتوانسته ام در تمامی این سال ها حتی یک نفر را ترغیب کنم که از چنین زبان عجیبی استفاده کند، باید متوجه بشوم که چنین کاری نتیجه ای ندارد. البته یک نتیجه دارد و آن این که مرا دیگر مردم جدی نمی گیرند. مسلماً وقتی کسی از فارسی ای استفاده کند که بیشتر به زبان مثلاً شاهنامه شباهت داشته باشد، آدم دوست دارد بنشیند و از این نقالی لذت ببرد.

حالا بیایید عکس ماجرا را ببینیم. نگاه کنید آن عربی که می داند دستور زبانش را سیبویه ایرانی نوشته و عروض پرافتخارش را خلیل بن احمد ایرانی تدوین کرده و اولین فرهنگ لغتش را همین ایرانی برایش درست کرده، چقدر از دست ما حرص می خورد.

به هر حال ما باید یک واقعیت را همواره در نظر داشته باشیم و آن این که دوره سلم و تور و ایرج گذشته است. ما الآن در یک دهکده جهانی زندگی می کنیم و نگرش قبیله ای با آنچه دوروبر ماست کمی بیگانه است.

*** امروز می بینیم که بسیاری از دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی از روش تدریس ادبیات فارسی و مطالب درسی شان حتی تا دوره دکتری خسته شده اند. بسیاری از دانشجویان به دنبال حرف های تازه ای اند که می توانست بخشی از مطالب درس شان باشد. آیا فکر نمی کنید افزودن درس هایی مثل نظریه های ادبی، ادبیات تطبیقی، نقد ادبی و روش های تازه ای که در نقد مطرح می شود، باعث می شوند مطالعه ادبیات فارسی از حالت بومی بیرون بیاید؟**

- اجازه بدهید اول تکلیف این مطالعات بومی و افتخارات ملی را روشن کنیم. این پژوهش های بومی کدام اند؟ این زبان فارسی را حدود صدو بیست سال پیش، یک انگلیسی به نام سرویلیام جونز معلوم کرد که از زبان های هندواروپایی است. کتیبه های فارسی باستان مان را افرادی چون تیخسن، مونتر، گروتفند، راسک و سن مارتین خواندند و ما فهمیدیم درباره چه هستند. وجود هنروارش را در خطوط ایرانی دوره میانه فردی به نام زالمان کشف کرده. فرهنگ زبان پهلوی را مکنزی تهیه کرده. بهترین تحقیق درباره زبان فارسی باستان متعلق به کنت است. همین حالا وقتی صحبت از بهترین نسخه شاهنامه می شود، تصحیح چاپ مسکو بهترین است. مثنوی نیکلسون را نباید از یاد برد. تاریخ ادبیات ادوارد براون، تحقیقات هانری ماسه درباره آثار سعدی و صدها محقق دیگر که هیچ کدامشان از فرزندان ایرج نبودند، این پژوهش های بومی [!] را انجام داده اند تا ما صدایمان را بم بکنیم و فریاد بزنیم تحقیقات در این زمینه بومی می ماند و باید بماند.

پس نمی شود درباره پژوهش های موجود در این زمینه خیلی هم به غرور ملی رسید. آنچه افتخار است، نوع پژوهش نیست. افتخار این است که این آثار متعلق به این مرز و بوم است. دقت کنید؛ من نگفتم افتخار ما فردوسی و حافظ و سعدی و ده ها و صدها فرزانه از این دست اند. اینان افتخار جهان اند. فردوسی همانقدر که به ایران تعلق دارد به تمام جهان تعلق دارد. حافظ اگرچه ایرانی است ولی شاعر کل جهان است. من همان اندازه که به حافظ می بالم، به گوته و شکسپیر و هومر و وجود اینان مفتخرم. مولانا همانقدر که متعلق به من است به تمام جهان تعلق دارد. مگر می شود فردی چون ابن سینا را تنها ایرانی دانست. آن هم وقتی کتاب قانون اش را قرنها در غرب تدریس می کرده اند؟ این حرف های عشیره ای و قبیله ای ما را به جایی نمی رساند.

حال بگذارید به همان روش های تحقیق برگردیم و اجازه دهید من از نمونه ای برای ختم بحث استفاده کنم. فرض کنید ما دستگاهی داشتیم که می توانستیم نیوتن را زنده کنیم و ببریم سر کلاس درس فیزیک (۱) دانشگاه بنشانیم. می شود با قاطعیت گفت، نیوتن اگر در امتحان این درس شرکت کند، مردود می شود. ولی مطمئن نیستم اگر استاد فروزانفر را در کلاس دوره دکترای ادبیات فارسی بنشانیم، استاد درس را از کلاس بیرون نکند. می دانید چرا؟ چون هیچ تحولی در دروس و روش تدریس دروس این رشته از دهها سال پیش تاکنون پدید نیامده است. ما وقتی پژوهش های استاد معین را با پژوهش های امروز مقایسه می کنیم، به این نتیجه می رسیم که انگار حتی درجا نزده ایم، بلکه کمی هم پس رفته ایم.

دانشجویان رشته ادب فارسی نیاز به مطالعات نشانه شناختی دارند؛ باید با نظریه های ادبی آشنا شوند، باید با مطالعات تطبیقی ادبیات آشنا شوند. باید نقدهای مختلف را مطالعه کنند، باید با تاریخ علم، فلسفه و منطق آشنایی پیدا کنند؛ با ادبیات داستانی آشنا شوند و خیلی مطالب دیگر. اگر ما در هیچ دانشی نتوانیم حرف اول و آخر را بزنیم، حق ماست که در زمینه زبان و ادب فارسی برترین در دنیا باشیم. با این حرف های بومی شدن و بومی کردن، فقط از این واقعیت فاصله خواهیم گرفت.

SONY سونی

Sony Iran Representative Office needs a secretary with the following characteristics ;

- Age between 25-35
- University graduate
- Proficiency in English language (written and spoken)
- High speed ability to type in Farsi and English
- Excellent ability to translate from English to Farsi and visa versa in a short period of time
- Computer literacy and knowledge of working with different softwares
- Ability to work with a team and individually

Candidates who meets the above will ask to send their CV in English along with a recent photo to email address intinfo@sony-iran.com latest by **May .7th**

آگهی فروش نیکل کاتالیست
شرکت شهرک صنعتی شهید مدرس
(صنایع دارویی)

این شرکت در نظر دارد مقدار ۳۶ تن نیکل کاتالیست خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند متقاضیان می توانند از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ برای دریافت اسناد مزایده به نشانی تهران خیابان ولیعصر خیابان اتحادیه پلاک ۱۶ مراجعه و یا با شماره تلفن های ۸۷۱۴۳۰۸ و ۸۷۱۵۳۲۹ امور بازرگانی تماس حاصل نمایند.
هیات مدیره

آگهی استخدام

یک شرکت تولیدکننده محصولات بتنی مورد استفاده شبکه های توزیع برق به یک نفر مهندس ساختمان برای نظارت در کارگاه بتنی در تهران نیاز دارد. از متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می آید تصویر آخرین مدرک تحصیلی، سوابق کاری، نشانی و شماره تلفن تماس خود را حداکثر یک هفته پس از درج آگهی از طریق پست سفارشی به صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۸۸۵ ارسال نمایند.

آگهی مناقصه

صنایع هفتم تیر اصفهان در نظر دارد ریخته گری، پلیسه گیری و شات بلاست حدود ۷۰۰ تن قطعات چدنی (با جنس GG25-GGG40) مورد نیاز خود را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از شرکتهای ریخته گر توانمندی که در این خصوص دارای سوابق کاری می باشند دعوت می شود حداکثر تا ۵ روز اداری پس از انتشار این آگهی برای دریافت اسناد مناقصه مراجعه نمایند. هزینه حمل و تحویل قطعات به عهده پیمانکار می باشد. نشانی اصفهان، کیلومتر ۴۵ جاده مبارکه، صنایع هفتم تیر اصفهان، کارخانه تولید شیرآلات، واحد خرید و پیمانکاران.
تلفن تماس: ۰۳۱۱-۴۳۱۹۶۸۷ و ۹-۰۳۱۱-۳۳۲۵۰۰۸ داخلی ۲۵۵۹

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه در نظر دارد تعدادی ماشین تراش مدل TN50 - 1000BR را از طریق مناقصه خریداری نماید. لذا از کلیه داوطلبان شرکت در مناقصه دعوت می شود از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز با ارائه اصل رسید واریزی به مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال به حساب شماره ۳۳۳۹ بانک ملی مرکزی ساوه پیشنهادات خود را به همراه کاتالوگ و مشخصات کامل دستگاه مورد نظر به نشانی ذیل تسلیم نمایند.
نشانی: ساوه، میدان فلسطین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه
توجه: دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می باشد.
ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
روابط عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه